

دیدگاه امام خمینی رحمته الله علیه در حجیت شهرت فتواییه

صدیقه محقق^۱

چکیده

یکی از مسائل علم اصول و علم فقه مسئله حجیت شهرت فتوایی است. شهرت فتوایی یعنی، فتوای فقها در زمینه حکمی از احکام شرعی که شهرت یافته باشد. بین فقهای شیعه در این زمینه اختلاف وجود دارد. برخی آن را مطلقاً حجت می‌دانند و برخی دیگر عدم حجت به طور مطلق و گروهی دیگر قائل به تفصیل شده‌اند. آنها شهرت فتوایی قدما را حجت می‌دانند و در شهرت فتوایی متأخرین قائل به عدم حجیت هستند. هدف از نوشتار حاضر بررسی نظر امام خمینی رحمته الله علیه درباره حجیت شهرت فتواییه است که به روش توصیفی-تحلیلی، در محدوده فقه و اصول و با استفاده از منابع معتبر نوشته شده است. دستاورد نوشتار حاضر این است که از جمله کسانی که قائل به نظریه تفصیل هستند امام خمینی رحمته الله علیه است. ایشان معتقد است که فتوای فقهای قبل از شیخ طوسی حجت است و بعد از ایشان حجت نیست. مناط ایشان این است که متون اولیه فقها، حدیثی و نقل فتوای امام معصوم علیه السلام است.

واژگان کلیدی: شهرت، فتوا، شهرت فتوایی، حجیت شهرت فتوایی، امام

خمینی رحمته الله علیه.

۱. دانش پژوه سطح چهار فقه خانواده از کشور افغانستان، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران. / مری گروه فقه خانواده، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

در اصول، سه دسته مباحث مطرح می‌شود: الفاظ، حجج، اصول عملیه. مهمترین این مباحث بحث حجج است. یکی از اموری که درباره حجیت شهرت در فقه شیعه به شکل اختصاصی نقض و ابرام‌های فراوان درباره آن صورت گرفته، شهرت فتواییه است. هرچند این شهرت یعنی، اتفاق اکثریت فقهای شیعه، معطوف به فتاوی‌ای پیشینیان معنا می‌شود، ولی گفت‌وگوها از آن در دوره پسینیان آغاز شد و اکنون شهرت مدخل ثابت و مهمی را در ادامه مبحث حجیت اجماع تشکیل می‌دهد، البته این نگرش‌های انتقادی یا دفاعی از حجیت شهرت هرچند حجم بزرگی از تعاملات اندیشه‌ورانه فقهای شیعه را در این زمینه نشان می‌دهد، ولی گستره این رفت‌وبرگشت‌های استدلالی و سرشار از ظرافت و دقت‌اندیشی، راه را برای جمع‌بندی و نتیجه‌گیری‌های روش نیز پیچیده و دشوار کرده است. یکی از فقهای عصر حاضر که در این زمینه در کتاب‌های اصولی خود اشاراتی داشته امام خمینی رحمته‌الله‌علیه است. ایشان شاگرد آیت‌الله بروجردی بود و پای درس ایشان تلمذ کرد. بنابراین، نظرات ایشان درباره حجیت شهرت فتوایی برگرفته از نظرات استادش است. هدف از نوشتار حاضر ارائه مطالبی جامع در مورد حجیت شهرت فتوایی از منظر امام خمینی رحمته‌الله‌علیه است. فقها در کتاب‌های اصولی خود مباحثی را به شهرت فتوایی اختصاص داده‌اند و اختلافاتی نیز در حجیت و عدم حجیت شهرت فتوایی دارند و نوشتار مستقلی به بیان دیدگاه امام خمینی رحمته‌الله‌علیه در این زمینه و بیان دیدگاه ایشان وجود ندارد. در نوشتار حاضر برای آگاهسازی دیگران از نظر امام خمینی رحمته‌الله‌علیه در این مورد به کتاب‌های اصولی ایشان رجوع شده است تا نظر ایشان بیان شود. نوشتار حاضر به روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع اصولی کتابخانه‌ای و نرم‌افزاری به این سؤال اصلی پاسخ می‌دهد که حجیت شهرت فتوایی از دیدگاه امام خمینی رحمته‌الله‌علیه چگونه است.



۲. مفهوم‌شناسی

۱-۲. شهرت

شهرت به معنای وضوح و روشنی چیزی آمده است: «والشهرت: وضوح الام» (جوهری، ۱۴۱۰، ۷۰/۲)؛ فیومی، بی‌تا، ۳۲۵/۲) العین، لسان العرب و مجمع‌البحرین با عبارتی شبیه به هم آن را ظاهر شدن شیء معنا کرده‌اند. «الشهرت: ظهور الشیء فی شنعة حتی یشهره الناس». در جایی، انتشار هم معنا شده است: «الشهرت و هی الانتشار» (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۲۵۲/۲؛ فیومی، بی‌تا، ۳۲۵/۲). روشن‌ترین تعریف برای این لفظ وضوح و آشکار بودن شیء است و مشهور است که هر سه معنا بر آن دلالت می‌کنند؛ یعنی هم انتشار و هم ظاهر شدن شیء دلالت بر روشن بودن و وضوح می‌کنند؛ زیرا هر وقت شیء ظاهر و منتشر باشد واضح و روشن هم هست. شهرت در اصطلاح اصول به شهرت داشتن امری دینی بین مسلمین هر چند عده‌ای از آنها آمده است (مشکینی، ۱۴۱۶، ۱۵۵/۱). به مشهور بودن فتوای علما در مسئله‌ای گفته می‌شود که نصی از ائمه در مورد آن نیامده است و در برابر آنها عده‌ای کمتر وجود دارند. به این عده شاذ می‌گویند. باتوجه به آنچه گفته شد شهرت یعنی، عده‌ای از علما در یک مسئله حکم واحد دارند و در برابر آنها عده کمتری هم وجود دارند که برخلاف این عقیده حکم می‌دهند.

۲-۲. فتوا

فتوا یعنی، یک فقیه به آن حکم می‌کند: «و استفتیت الفقیه فی مسألة فأفتانی و الاسم، الفتیا و الفتوی». در مصباح المنیر (فیومی، بی‌تا، ۴۶۲/۲)، معجم مقاییس اللغه (ابن فارس، ۱۴۰۴، ۴۷۴/۴) و لسان العرب (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۴۳۱/۴) هم این معنا آمده است، اما آنچه دقیق‌تر به نظر می‌رسد این است که به معنی روشن‌کننده است: «مبهمات و الفقیه یفتی أی یبین المبهم، و یقال: الفتیا فیه کذا، و أهل المدينة یقولون». التحقیق، فتوی را نظر کامل از هر نظر معرفی می‌کند» «و التحقیق أن الأصل الواحد فی المادّة: هو الامر البالغ التام، سواء کان فی موضوع خارجي أو أمر معنوي و هكذا الفرق بین الفتوی و النظر و الحكم، فإن الفتوی نظر

بالغ تامّ فی أیّ جهة و النظر مطلق . و یلاحظ فی الحکم جهة البیت و الیقین فظهر الامر الجامع بین مفهومی الفتی و الفتوی (مصطفوی، ۱۴۰۲، ۳۱۷/۱). باتوجه به هر سه نظر فوق می توان فتوا را حکم نهایی و تمام کننده فقیه در يك مسئله معنی کرد، اگرچه در معجم این تعریف مربوط به حکم است. در اصطلاح به جز همان معنای لغوی معنای دیگری ندارد.

۲-۳. شهرت فتوایی

شهرت فتوایی آن است که فتوایی از فقها در زمینه حکمی از احکام شرعی، شهرت یافته باشد که مستند آن معلوم نیست یا از آن نظر که سندی برای آن حکم نباشد یا هست، اما از آن دوری شده است. (فاضل لنکرانی، ۱۳۸۶، ۳۹۹/۱) برخی شهرت فتوایی را این گونه تعریف کرده اند: «به معنای اشتها فتوایی در یکی از مسائل فقهی در میان جمع زیادی از فقهاست بدون آنکه این فتوا به روایتی مستند باشد، فرق نمی کند که این عدم استناد به دلیل نبود روایت در مسئله باشد یا دلیل دیگری داشته باشد» (نایینی، ۱۴۱۷، ۱۵۴/۳؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۴، ۴۱۷/۲؛ موسوی خمینی، ۱۴۱۵، ۲۶۱/۱).

۳. اقسام شهرت

۳-۱. شهرت روایی

اگر نقل روایتی در کتاب های روایی و بین راویان زیاد و مشهور باشد به آن مشهور روایی گویند. در مقابل این شهرت روایاتی وجود دارد که به آنها نادر و شاذ گفته می شود. چنین شهرتی را از مرجحات باب تعارض بین روایات دانسته اند. (خویی، ۱۴۱۷، ۱۴۱/۲؛ صدر، ۱۴۲۱، ۳۲۱/۴؛ موسوی خمینی، ۱۴۱۸، ۳۷۷/۶)

۳-۲. شهرت عملی یا شهرت در استناد

منظور از این شهرت، شهرت در عمل به روایت است. وقتی فقها به یک روایت در موارد متعدد استناد جسته و بدان عمل کنند، گویند این روایت شهرت عملی دارد. (خویی، ۱۴۱۷، ۱۴۱/۲) این دو شهرت عامین من وجه هستند (سبحانی، ۱۳۸۹، ۲۶۱/۳)؛ یعنی گاه یک روایت هم

شهرت روایی دارد و هم شهرت عملی مانند روایات مربوط به ارث. گاه شهرت روایی هست، ولی شهرت عملی ندارد مانند روایاتی که در کتب اربعه است، ولی علما به آن عمل نکرده‌اند و از آن روایات به معرض عنها تعبیر می‌کنند. زاره در روایتی می‌گوید: «اگر در اثنای نماز، لباس کسی نجس شد و به آب هم دسترسی دارد او می‌تواند لباس را آب بکشد و بعد نماز را از همانجا که قطع کرده است، ادامه دهد. کسی به این روایت عمل نکرده است؛ زیرا این فعل که کثیر است صورت صلاتی را از بین می‌برد. گاه شهرت عملی هست مانند روایت قاعده ید.

۳-۳. شهرت فتوایی

منظور از این شهرت، فتوای فقها به حکمی است بدون آنکه مستندی برای این فتوا موجود باشد. برخی از فقها مانند آیت‌الله بروجردی شهرت فتوایی بین علمای قدیم مانند آنچه در کتاب مقنع پدر شیخ صدوق، هدایه شیخ صدوق، مقنعه شیخ مفید، کافی اثر ابوالصلاح حلبی، نهاییه شیخ طوسی، مراسم اثر سلار و مهذب ابن براج آمده است و شهرت فتوایی پیدا کرده است را حجت می‌دانند. (حکیم، ۱۴۱۸، ص ۲۱۳) برخی از اصولیون امامیه معتقدند که شهرت فتوایی از امارات معتبره است. آنها می‌گویند: «هرچند فتوای یک قضیه حجت بر حکم برای قضیه دیگر نمی‌شود، ولی همین فتوا وقتی به حد شهرت رسید و فتوادهندگان زیاد شدند، می‌تواند برای قضیه دیگر، دلیل بر حکم باشد و او نیز حکم را استنباط کند (شهید اول، ۱۴۱۹، ۵۲/۱). حضرت امام خمینی رحمته الله علیه معتقد است: «شهرت فتوایی قدما تا زمان شیخ طوسی حجت است، اما شهرت فتوایی متأخرین حجت نیست؛ زیرا روش قدما چنین بوده که اصولی را از ائمه علیهم السلام دریافت و بدون تغییر و تبدیل در کتب خود ذکر کنند و بنای آنها بر ضبط فتاوا در زمان ائمه بوده، برخلاف متأخرین که چنین مبنایی نداشتند (موسوی خمینی، ۱۴۱۵، ۲۶۱/۱).

۳-۳-۱. حجیت شهرت فتوایی

هرچند در حجیت شهرت فتوایی نظرات مختلفی به فقهای شیعه نسبت داده شده است، اما بنابر گزارش دقیق مرحوم اصفهانی، صاحب هدایه‌المسترشدین، سه قول در این زمینه وجود

دارد: الف) شهرت فتوایی مطلقاً حجت است. ادله طرفداران این گروه این است که وقتی خبر واحد ثقة به خاطر افاده‌ی ظن و یا اطمینان حجت باشد، به طریق اولی شهرت فتوایی که در واقع خبر مشهور فقهای امامیه از حکمی از احکام می‌باشد، حجت است؛ زیرا افاده ظن و اطمینان در اینجا به مراتب افزون‌تر است. همچنین در مرفوعه زراره آمده است: «خذ بما اشتهر بین اصحابک». در اینجا مای موصول عام است و شامل شهرت فتوایی، روایی و عملی است و فعل امر نیز ظهور در وجوب دارد. یکی از ادله حجیت خبر واحد، سیره عقلا بود و بعید نیست که چنین سیره‌ای ظن یا اطمینان را شامل شود که از آن جمله شهرت فتوایی است (شهید اول، ۱۴۱۹، ۲۵/۱؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۴، ۴۱۷/۲). دلیل دیگر این گروه آن است که در روایت زراره و عمر بن حنظله آمده است که به آنچه مشهور است، ملتزم باش و شاذ و نادر را رها کن و به جمله‌ای که در ذیل آیه نبأ وارد شده است، تمسک کردند (نابینا، ۱۴۱۷، ص ۱۵۵؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۴، ۱۱/۲)؛ زیرا خداوند می‌فرماید: «أَنْ تَصِيبُوا قَوْمًا بَظَاهِلِهِ فَتُصَبِّحُوا عَلَىٰ مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ». شهرت فتوایی حجت نیست؛ زیرا دلیل قطعی بر آن وجود ندارد (شیخ انصاری، ۱۴۰۷، ص ۱۰۵؛ آخوند خراسانی، ۱۴۰۹، ص ۳۳۶؛ میرزای نابینا، ۱۴۱۷، ۹۹/۳؛ عراقی، ۱۴۱۷، ۹۹/۳). شهرت بین قدما حجت است، اما شهرت بین متأخرین حجت نیست (بروجردی، ۱۴۱۵، ۵۴۳؛ موسوی خمینی، ۱۳۸۵، ۱۶۹/۲؛ موسوی خمینی، ۱۴۱۵، ۲۶۴/۱).

اول. دیدگاه امام خمینی رحمته‌الله علیه

نظر امام خمینی رحمته‌الله علیه درباره حجیت شهرت فتوایی می‌فرماید: «شهرت فتوایی اگر مربوط به متأخرین از زمان شیخ طوسی و در تفریعات فقیه است، حجت نیست و دلیلی بر حجیت آن نداریم و ادله‌ای که برخی آورده‌اند، مخدوش هستند، اما اگر شهرت فتوایی مربوط به فقهای قبل از عصر مرحوم شیخ طوسی باشد یعنی، آنهایی که کارشان بدون هیچ دخل و تصرفی، ضبط اصول مأخوذ از ائمه علیهم‌السلام در کتاب‌هایشان بوده و شیوه آنها در فقه با شیوه متأخرین از زمان شیخ فرق می‌کرده، حجت و کاشف از دلیل معتبر است؛ یعنی همان مناط اجماع در اینجا وجود دارد و

بلکه اجماع چیزی جز همین قسم از شهرت فتوایی نیست. شاید بتوان بر تعلیل وارد در مقبوله عمر بن حنظله بر حجیت آن استدلال کرد». (موسوی خمینی، ۱۴۱۵، ۲۶۱/۱)

الف) مبانی دیدگاه امام خمینی

از نظر امام خمینی رحمته الله علیه شهرت فتوایی بین قدمای اصحاب، حجت است. در این گونه شهرات فتوایی متقدمین مناط اجماع وجود دارد و قدما بنابر ذکر اصول متلقات داشتند که هر نسلی از نسل قبل دریافت کرده است و به تفریع اجتهادی نصی پرداختند. براین اساس اگر شهرت فتوایی متقدمین تحقق پیدا کند کاشف از ثبوت حکم در شریعت مطهره و مشهور بودن آن نزد امام معصوم علیه السلام است. ایشان این مطلب را این گونه ثابت می کنند که یکی از مبانی مهم و معروف امام خمینی رحمته الله علیه در حجیت شهرت فتوایی قدما، اعتقاد به حدیثی بودن متون فقهی اولیهی قدمای اصحاب است. مرحوم بروجردی متون فقهی را به سه دوره مجزا و مستقل تقسیم می کند: الف) در دوره ای از تاریخ فقه، فتوهای فقها بیشتر به صورت تنظیم و تبویب متون حدیثی برپایه نیازهای فقهی به رشته تحریر درمی آمد و نص متون روایی را فتوای خود قرار می دادند؛ ب) دوره دیگر از تاریخ فقه، عصر استنباط و تفریع بود که اجتهاد و برداشت فقها از متون روایی با بهره گیری از ابزار اجتهاد و قدرت استدلال، محتوای کتب فقهی را تشکیل می داد. وی برای این قبیل کتب ارزش قائل نبود و در جاهای مختلف کتب فقهی و دروس خارج خود به این موضوع تکیه دارد. در کتاب نهایه التقریر درباره استنباط حکم نماز خواندن با لباس تهیه شده از اجزای حیوان حرام گوشت می گوید: «اگر شخص نسبت به چگونگی تهیه شدن لباس آگاهی نداشته باشد باید به اصول عملی و قواعد شرعی مراجعه کند و دلیل لزوم این مطلب را فقدان نص از یک طرف و از طرف دیگر، مطرح شدن آن در کتب فقهی قدما که حکم نص را دارند، می داند. از نظر ایشان در این مورد نص خاصی از معصومین وارد نشده است و فتوای اصحاب به گونه ای نیست که بیان کننده وجود روایت باشد؛ زیرا کسی از قدما در کتاب های خود این مسئله را مطرح نکرده است. اگر کسی از آنها این مسئله را مطرح کرده آن را

تنها در کتاب‌هایی که برای مسائل استنباطی اختصاص داده‌اند، آورده است». (بروجردی، ۱۴۲۰، ۱/۲۳۰)

از تصریح مرحوم بروجردی به دست می‌آید که ایشان معتقد هستند کتب فقهی اولیه در واقع، نقل فتوای امامان معصوم علیهم‌السلام است بدون دخل و تصرف. اگر تصرفی هم شده تنها در حد تنظیم و تبویب بوده است. ایشان همچنین وجود فتوا در آن کتب را کاشف از وجود نص می‌داند. بروجردی روایتی مرسله از شیخ طوسی در النهایه نقل می‌کند و به اعتبار اینکه از کتب اصلی است اهمیت داده و ارسال آن را در کتب مشهور حدیثی مضر نمی‌داند و می‌نویسد: «این روایت اگرچه در مجموعه‌های حدیثی در دسترس به طور مستند آورده نشده است، ولی شیخ طوسی آن را به نحو ارسال در نهیایه نقل کرده است، ولی از تسلط او به اخبار روایت شده از پیامبران صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امامان علیهم‌السلام به وجود آن در مجموعه‌های حدیثی اولیه علم پیدا می‌کنیم» (بروجردی، ۱۴۲۰، ۱/۲۳۶). مرحوم بروجردی علاوه بر اینکه مضمون و محتوای کتب فقهی اولیه را بر جوامع روایی موجود مقدم می‌داند کتب یادشده را هم مکمل آنها دانسته و معتقد است در مقام معارضه باید فتوای موجود در کتب یادشده را مقدم داشت. برای مثال درباره فراموش کردن تشهد با وجود نقل فتوای مشهور و روایات وارد شده می‌نویسد: «از فتوا چنین به دست می‌آید که نص معتبری دال بر این حکم در جوامع اولیه وجود داشته است؛ نهایت امر اینکه به جوامع ثانویه که در دسترس ما هستند راه نیافته است» (بروجردی، ۱۴۲۰، ۲/۲۹۴). براساس نظر ایشان، شهرت فتوایی که دربرگیرنده مسئله در جوامع فقهی اولیه نباشد کاشف از وجود نص نیست و انتقال بخش زیادی از روایات را که در جوامع اولیه بوده‌اند به وسیله کتب فقهی قدما می‌دانست و به فراگیر بودن جوامع روایی ثانویه بر همه روایی اولیه اعتقاد نداشتند (بروجردی، ۱۴۲۰، ۱/۱۵۳). حدیثی بودن متون فقهی قدما هم مورد توجه امام خمینی رحم‌الله‌علیه قرار گرفته است. ایشان در این زمینه می‌فرماید: «نقل روایت در مقام فتوا نزد قدمای اصحاب مرسوم و متعارف بوده است و متون روایات فتوای آنها را تشکیل می‌داده است» (موسوی خمینی، ۱۳۸۵). ایشان در حواشی بعضی از کتاب‌های خود می‌نویسد: «ما به کتب قبل از

زمان شیخ طوسی مراجعه کردیم. آنچه از شیخ طوسی در المبسوط گفته‌اند که همه کتب فقهی قبل از او متن اخبار است درست نیافتیم گاه روشن است که بعضی از آنها متن اخبار نیستند. نظر شیخ نسبت به طبقه سابق بر کتب فتوایی بوده، اما بعید نیست که مبنای آنها نقل روایاتی بوده که براساس فتوای ایشان بوده است» (موسوی خمینی، ۱۳۱۶، ۲۶۱/۱). بنابراین، حلقه وصل متأخرین با دوران امام معصوم علیه السلام فقهای قدیم هستند و بسیاری از دانش‌ها و دانستنی‌های موجود رجالی برگرفته از دانش‌های آنهاست و فرض ناآگاه بودن مشهور قدما از حال سند روایت پذیرفتنی نیست. بسیاری از فقها به آگاه‌تر و خبره‌تر بودن فقهای قدیم در زمینه رجال‌شناسی به خوبی اعتراف کرده‌اند. موسوی خمینی علیه السلام درباره شیخ صدوق می‌فرماید: «شیخ صدوق به حال رجال سند آگاه‌تر از متأخرین بود» (موسوی خمینی، ۱۴۲۱، ۵۵۱/۲). در علم رجال آگاهی‌های رجالی قدما از سند احادیث عمیق پیدا کرده که هرگاه افرادی مثل شیخ صدوق شیخ مفید و شیخ طوسی کسی را ستوده‌اند و از او به نیکی یاد کرده باشند او از جمله توثیقات خاصه به حساب می‌آید و بسیاری بر او اعتماد می‌کنند و بدون تردید نمی‌توان منکر ورع و تقوای شدید قدما شد. بنابراین، اگر در مسئله خاصی فتوای مشهور قدما مشاهده شود، مشخص می‌شود که این مسئله هم در زمان امامان معصوم علیهم السلام مشهور بوده و راویان از طریق اصحاب از امامان معصوم علیهم السلام گرفته‌اند و از عمل آنها به یک روایت اطمینان پیدا خواهیم کرد که آنچه آنان بر آن تکیه کرده‌اند درست است. محقق خوانساری به همین نکته تکیه می‌کند و از ابن زهره و ابن ادریس یاد می‌کند و می‌فرماید عمل این دو محقق به روایت قوی‌ترین قرینه و نشانه‌ای است بر اینکه آنها دلیل قاطع بر عمل به آنها داشته‌اند. (خوانساری، ۱۴۰۵، ۲۰۷/۷)

۴. نتیجه‌گیری

عمده بحث در مقاله حاضر، حجیت و عدم حجیت شهرت فتوایی است. شهرت فتوایی از ظنون است که هیچ دلیلی بر حجیت آن اقامه نشده است. شهرت در لغت به معنای وضوح و

آشکار بودن شیء مشهور است و در اصطلاح یعنی، عده‌ای از علما در یک مسئله حکم واحد دارند و عده کمی برخلاف این عقیده حکم می‌دهند. فتوا در لغت حکم نهایی و تمام‌کننده فقیه در یک مسئله است و شهرت فتوایی، فتوایی از فقها در زمینه حکمی از احکام شرعی، شهرت یافته باشد. شهرت اقسامی دارد مثل شهرت روایی که همان نقل روایت در کتب روایی است. شهرت عملی که همان شهرت عمل به روایت است و قسم سوم شهرت فتوایی، فتوای فقها به حکمی است بدون آنکه مستندی بر این فتوا موجود باشد. در مورد حجیت شهرت فتوایی سه دیدگاه وجود دارد: عدم حجیت شهرت فتوایی که این، دیدگاه آیت‌الله خویی است. حجیت شهرت فتوایی که دیدگاه شهید اول است. برخی دیگر مانند امام خمینی رحمته الله علیه و آیت‌الله بروجردی قائل به تفصیل هستند؛ یعنی شهرت فتوایی قدما را حجت می‌دانند و شهرت فتوایی متأخرین را حجت نمی‌دانند. دیدگاه امام خمینی رحمته الله علیه این است که ایشان مرز بین حجیت و عدم حجیت شهرت فتوایی را شیخ طوسی قرار داده‌اند؛ یعنی قبل از زمان شیخ طوسی حجت و بعد از شیخ طوسی حجت نیست. ایشان معتقد به حدیثی بودن متون فقهی اولیه قدمای اصحاب بودند؛ زیرا کتاب‌های فقهی اولیه در واقع نقل فتوای امامان معصوم علیهم السلام است بدون دخل و تصرف و حتی کتب فقهی اولیه بر جوامع روایی موجود مقدم است.

فهرست منابع

۱. ابن فارس، ابوالحسین (۱۴۰۰). معجم مقاییس اللغة. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۲. ابن منظور، جمال‌الدین محمد بن مکرم (۱۴۱۴). لسان العرب. بیروت: دار الفکر.
۳. انصاری، مرتضی (۱۴۰۷). فوائد الاصول. قم: انتشارات اسلامی.
۴. آخوند خراسانی، محمدکاظم (۱۴۰۹). کفایه الاصول. قم: آل‌البيت.
۵. بروجردی، حسین (۱۴۱۵). نهاییه الاصول. قم: تفکر.
۶. بروجردی، حسین (۱۴۲۰). نهاییه التقرير. قم: مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام.
۷. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۱۰). الصحاح. بیروت: دارالعلم.
۸. حکیم، محمدتقی (۱۴۱۸). الاصول العامه للفقہ المقارن. قم: مجمع العالمی الاهل البيت علیهم السلام.
۹. خوانساری، سید احمد (۱۴۰۵). جامع المدارک. قم: اسماعیلیان.
۱۰. خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۷). معجم رجال الحديث. بی‌جا: بی‌نا.

۱۱. سبحانی، جعفر (۱۳۸۹). المبسوط. قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
۱۲. شهید اول، محمد بن جمال‌الدین مکی العاملی (۱۴۱۹). الذکری فی احکام شریعه. قم: آل‌البيت.
۱۳. صدر، سید محمدباقر (۱۴۲۱). بحوث فی علم الاصول. قم: مؤسسه دایره‌المعارف فقه اسلامی.
۱۴. عراقی، ضیاء‌الدین (۱۴۱۷). هدايه‌الافکار. قم: انتشارات اسلامی.
۱۵. فاضل لنکرانی، محمد (۱۴۱۴). تبیان الاصول. قم: مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام.
۱۶. فیومی، احمد بن محمد مقرئ (بی‌تا). مصباح‌المنیر. قم: دار‌الرضی.
۱۷. مشکینی، میرزا علی (۱۳۸۶). اصطلاحات اصول و معظم ابحاثها. قم: نشر الهادی.
۱۸. مصطفوی، حسن (۱۴۰۲). التحقیق. تهران: مرکز‌الکتاب لترجمه و نشر.
۱۹. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۴). انوار الاصول. قم: مدرسه امام علی علیه السلام.
۲۰. موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۳۸۵). الرسائل. قم: اسماعیلیان.
۲۱. موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۴۱۵). انوار الهدایه فی تعلیقه علی الکفایه. قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۲۲. موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۴۲۱). کتاب‌البیع. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار.
۲۳. موسوی خمینی، مصطفی (۱۴۱۸). تحریرات فی الاصول. قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۲۴. میرزای نایینی (۱۴۱۷). فواید الاصول. قم: مؤسسه نشر اسلامی.



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی